ضرورت تحوّل در علوم انساني

# مأموريت گام اول انقلاب

انقلاب اسلامي ايران در عصري رخ داد كه كمتر ملتي اهتمام به تحوّل و انقلاب داشت. در ميان اين تلاش‌ها نيز كمتر ملتي موفق شد تا تلاش خود را به پايان برساند و به تشكيل حكومت مورد نظر خود برسد و بتواند براي چند دهه آرمان‌هاي انقلابي خود را حفظ نمايد. انقلاب اسلامي در گام نخست خود مواجه با هجمه‌هاي شرق و غربي بود كه دنيا را ميان خود تقسيم كرده بودند و هيچ كشور مستقلي را در جهان نمي‌پذيرفتند. در آن دوران مهم‌ترين تكليف و وظيفه حفظ نظام اسلامي و رساندن آن به جايگاهي با ثبات و مقبول در جامعه جهاني بود.

# عمليات وعده صادق؛ دستاورد گام اول انقلاب

گام نخست انقلاب به ثمر نشست و بزرگترين شاخص و نماد آن «عمليات وعده صادق» است. پس از گذشت چهار دهه، نظام اسلامي به مقبوليت، اعتبار و قدرتي جهاني دست‌يافته كه به دشمن ديرين مسلمانان حمله نظامي انجام مي‌دهد، بدون اين‌كه قدرت‌هاي جهان جرأت پاسخ دادن داشته باشند.

# مأموريت گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامي داراي انعطاف است و همواره آماده تصحيح خطاها، زيرا پديده‌اي زنده و با اراده است. فاصله ميان بايدها و واقعيت‌ها در داخل نظام اسلامي زياد است و وجدان‌هاي آرمان‌خواه انقلابي را آزار مي‌دهد. مهم‌ترين عرصه‌هاي اين شكاف مسائل و مشكلات اقتصادي، مديريتي و فرهنگي‌ست. گام دوم انقلاب بايستي به اصلاح اين عرصه‌ها بپردازد و واقعيت‌ها را به بايدهاي اسلامي و انقلابي نزديك سازد.

# جايگاه علوم انساني در گام دوم انقلاب

اقتصاد، عدالت، مبارزه با فساد، مديريت، فرهنگ، معنويت و اخلاق، سبك زندگي؛ همه اين سرشاخه‌هاي مسائل و چالش‌هايي كه نظام اسلامي با آن‌ها مواجه است داخل در دسته علوم انساني‌ست. نظام اسلامي در عرصه‌هاي فني و مهندسي رشدهاي فزاينده‌اي داشته و دارد كه نشانه‌هاي پيشرفت آن به روشني ديده مي‌شود. آن‌چه به زندگي و معيشت مردم آسيب زده و نگراني پديد آورده و مي‌آورد «علوم انساني» است كه نتوانسته متناسب با نيازهاي انسان مسلمان رشد و تحوّل يابد. گام دوم انقلاب با «تحوّل در علوم انساني» آغاز مي‌شود و بدون تغيير و رشد بنيان‌ها و ساختارهاي علوم مهمي مانند: علم مديريت، علم جامعه‌شناسي، علم روانشناسي، علم اقتصاد، علم سياست، نمي‌توان اميدي به حركت نظام اسلامي در مسير مطلوب داشت. اين تحوّل بايد بر اساس مباني اسلامي باشد.

مادامي‌كه از اسلام صحبت مي‌كنيم و هدف اين‌كه علوم انساني را بر بنيان‌هاي اسلامي بازسازي نموده و ارتقا بخشيم، غير از حوزه علميه به نهاد ديگري نمي‌توان اميد بست، زيرا منحصرمنبع دستيابي به وحي و درك صحيح و داراي حجيّت از آن است. جامعه مدرسين حوزه علميه به عنوان رسمي‌ترين ساختار اجتماعي اساتيد و بزرگان حوزه و روحانيت، مهم‌ترين نهادي‌ست كه مي‌تواند تحوّل در علوم انساني را كليد بزند.